



چرا جوانان از کارآفرینی می‌ترسند؟

جوانان معمولاً به خاطر ترس از شکست و ناکامی و نداشتن سرمایه یا فشاری که روی آنهاست، یک کار مستقل را شروع نمی‌کنند و محققان بر این باورند که مهم‌ترین دلیل این ترس این است که جوانان امروز الگوی مناسبی از کارآفرینان جوان گذشته ندارند که از آنها پیروی کنند.

علت‌های تردید جوانان در ورود به کارآفرینی و نقش الگوها

بررسی‌ای که سازمان انگلیسی Enterprise Insight انجام داده است درباره این نکته بحث کرده که ادبیات کارآفرینی در دهه ۱۹۸۰ شروع شده ولی دیگر تغییری نکرده و در آن دوره کارآفرینان قدیمی سعی کردند راهی برای نسل بعدی باز کنند. این سازمان می‌گوید کارآفرینان جوان اغلب تمایل دارند که جایگاه خود را در دنیا پیدا کنند و اثری از خود باقی بگذارند اما این ادبیات که مناسب دوره کنونی نیست و ترس از شکست و فشاری که از سوی خانواده، معلم و دوستان برای پیدا کردن شغل بر

جوانان وارد می‌شود، باعث شده که آن‌ها از محقق کردن ایده‌هایشان چشم‌پوشی کنند.

در اینجا این فرض وجود دارد که اکثر جوانان فاقد مهارت‌های تجارتي و کاری هستند از این رو باید کسی مستقیماً آنان را هدایت کند و به آن‌ها یاد دهد که چگونه در این عرصه فعالیت کنند و سیاست‌گذاران باید بدانند که اگر جوانان حمایت شوند و به کارآفرینی تشویق شوند، بسیاری به شروع یک کسب‌وکار جدید تشویق می‌شوند.

این به آن معنی است که باید شبکه‌ای منسجم برای جوانان ایجاد شود که بر تحقق ایده‌های جوانان، ارتقای الگوی موجود و خلق فرصت‌های کاربردی و عملی تاکید و تمرکز دارد.

این سازمان همچنین به ایجاد یک استرژي ملی برای توسعه کسب‌وکار در میان جوانان پرداخته است. مدیر ارشد اجرایی این سازمان می‌گوید: «ادبیات و مفاهیم دهه ۱۹۸۰ اکنون جوابگوی نیازهای نسل جوان نیست.»

اکنون دو دهه از خلق این ادبیات گذشته ولی ما هنوز از آن دست برداشته‌ایم و از همان کارآفرینان برای توسعه کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ استفاده می‌کنیم. او اضافه می‌کند: «البته ما نمی‌گوییم که نمی‌توان از کارآفرینان آن سال‌ها چیزی یاد گرفت اما نکته اینجاست که جوانان بیشتر از افراد هم سن و کسانی که متعلق به نسل خودشان باشند الگو می‌گیرند و گفته‌های آن‌ها را بیشتر قبول دارند.» او می‌گوید که نسل جدید افراد جوان که مشتاقند اثری از خود به جا بگذارند و جایگاه خود را پیدا کنند، به درستی نمی‌دانند که یک «کسب‌وکار» واقعاً چیست.

به گفته این مدیر، فرهنگ جوانان تغییر کرده است و ما باید معنی «کسب‌وکار» را دوباره تعریف کنیم تا برای انگیزه‌ها و آرزوهای آن‌ها معنی‌دار و با مفهوم باشد. نباید از دیدگاهی که اصلاً مطابق نیازهای روز نیست به آن‌ها نگاه کنیم. ترس از شکست و نوع سیستم آموزشی باعث می‌شود که جوانان به کارهای مطمئن که ریسک آن‌ها کم است تمایل داشته باشند تا به جست‌وجوی فرصت‌های جدید بپردازند.

او اضافه می‌کند: «ما باید فرهنگی را رواج دهیم که جوانان فعالانه در پی محقق ساختن ایده‌ها و آرزوهایشان باشند.»

هشت دلیل برای غلبه بر ترس آغاز کسب‌وکار در جوانان

با نزول وضعیت اقتصادی جامعه دانشجویان مراکز آموزش کارآفرینی با ترک کلاس‌های خود روانه کلاس‌هایی می‌شوند که به نظرشان می‌تواند آینده مطمئن‌تری برای آن‌ها داشته باشد. در زیر ۸ دلیل برای رهایی از ترس شروع یک کسب‌وکار آمده است:

۱. تجربه کسب می‌کنید! شروع و اداره کسب‌وکار شخصی راهی است به سوی کسب تجارب ارزشمند.

۲. چیزی از دست نمی‌دهید، اکثر دانشجویان هزینه‌های خود را از طریق والدینشان تهیه می‌کنند و به طور کلی آن‌ها موظف به پرداخت هزینه‌های زندگی نیستند. به همین دلیل در بدترین شرایط حتی اگر کسب‌وکار شما با شکست روبه‌رو شود، شما تجاربی خواهید داشت که شانس موفقیت شما را در آینده افزایش خواهد داد و اتفاق خوبی که می‌توانید انتظار آن را داشته باشید، آن است که به سرمایه‌دار بزرگی تبدیل شوید.

۳. طبق گفته «توماس استینلی» و «ویلیام دنک» نویسندگان کتاب «مغز میلیونر»، ۳/۲ میلیونرها کارآفرین هستند اگر شما به فکر کسب و پول بسیار هستید، باید کارآفرین باشید. به این ترتیب شما علاوه بر حقوق از مزایا و محاسن زیادی برخوردار خواهید شد، شما حتی می‌توانید طرح کس کارتان را بفروشید. «مایکل فاردیک»، کارآفرین جوان موفق، در ۱۶ سالگی توانست طرح شغلی خود را به قیمت یک میلیون دلار بفروشد.

۴. ارزش و اعتبار شما افزایش می‌یابد. شروع کسب‌وکار در دوران تحصیلی‌تان، ارزش

چیزی که از آن به شما تعبیر می‌شود را افزایش خواهد داد. برای مثال یک فرد معتبر می‌تواند کتابی را به چاپ برساند یا در شرکت‌ها و ادارات به مقامات بالا دست یابد.

۵. ایجاد و انجام یک کسب‌وکار سودمند در مدت زمان طولانی نسبت به استخدام شدن در شغلی ریسک کمتری را متوجه شما می‌کند. برای مثال کافی است فقط به آمارهای اقتصادی اخیر توجه کنید. ده‌ها هزار نفر از کار اخراج شده‌اند؛ اما من می‌توانم تضمین کنم که صاحبان کسب‌وکارهای سودمند، هنوز مشغول کار خود هستند. آن‌ها آخرین کسانی هستند که در طوفان‌های اقتصادی غرق می‌شوند. صاحبان کسب‌وکار موقعیت‌های زیادی برای جذب و دریافت پول دارند، در حالی که حقوق شما به عنوان یک کارمند استخدام شده، تنها از یک مسیر تامین می‌شود و این همان جنبه ریسک‌پذیر بودن مسئله می‌باشد.

۶. شما خیلی چیزها در مورد خودتان یاد می‌گیرید، چیزهایی می‌آموزید که هرگز در مدرسه به شما آموزش داده نمی‌شود. علاوه بر این کارآفرینی ترکیبی از تمام سیاست‌های مورد نیاز برای یک شغل است و نیازمند اطلاعاتی در مورد بازاریابی، حسابداری، مدیریت و اجرا می‌باشد و داشتن اطلاعاتی در مورد این مسائل دید شفاف و روشنی نسبت به اطراف‌تان به شما می‌دهد و شما می‌توانید در مورد رشته تحصیلی مورد علاقه‌تان در آینده و همچنین هدف‌هایتان بهتر تصمیم بگیرید.

۷. صاحب اختیار هستید. قوانین را شما تعیین می‌کنید. این شما هستید که ساعات کاری و افراد مورد نیاز را انتخاب می‌کنید. شما می‌توانید کسب‌وکارتان را مطابق با علایقتان بسازید. اگر به هنر علاقه‌مند هستید، کسب‌وکاری مربوط به طراحی ایجاد کنید، اگر به بازاریابی علاقه دارید، کالایی را انتخاب یا تولید کنید و آن را بفروشید و اگر به نویسندگی علاقه دارید، کتابی بنویسید و آن را منتشر کنید و به فروش برسانید.

۸. شما بزرگ می‌شوید. من به شخصه به سبب ایجاد کسب‌وکار، از نظر فکری رشد بسیاری کردم. پیش از این به سختی در مقابل یک جمع سخن می‌گفتم ولی اکنون یکی از مواردی است که بسیار به آن علاقه دارم. کسب‌وکار من سبب شد که خیلی



چیزها در مورد خودم یاد بگیرم. من اکنون می‌دانم که برای همیشه می‌توانم کارآفرین باشم و به موفقیت دست یابم.